

ابوعلی طبرسی و منابع کتاب اعلام الوری

ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸)

امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از دانشمندان برجسته سده ششم هجری است که به دلیل کتاب تفسیری مهمش با عنوان *مجمع البیان* (تألیف بسال ۵۳۰) و *جوامع الجامع* (تألیف به سال ۵۴۲ در هفتاد سالگی) شهرت دارد. وی در خراسان می زیسته و از عالمان معتدل شیعی در این دوره به شمار می آید. از دیگر آثار وی می توان به *الاداب الدینیة للخزانة المعینیة* و *جواهر النحو* اشاره کرد. شرح حال مفصل وی، بررسی تفصیلی آثار او و نیز اوضاع زمان وی را استاد کریمان در کتاب «طبرسی و مجمع البیان» آورده است. در شمار آثار وی یکی نیز کتاب پر ارج *اعلام الوری بأعلام الهدی* به معنای «آگاه ساختن خلائق از احوال امامان هدایت» است. این کتاب در چهار رکن ترتیب یافته: رکن نخست در سیره پیامبر خ (ص) و فاطمه زهرا (س)؛ رکن دوم در زندگی و امامت علی بن ابی طالب (ع)؛ رکن سوم در شرح امامت و زندگی امامان تا امام حسن عسکری (ع)؛ و رکن چهارم در باره امامت ائمه اثنا عشر و امام زمان (ع). طبرسی در این کتاب بر آن بوده است تا موجزی از دیدگاه تاریخی شیعه را در باره سیره رسول خدا (ص)، و تاریخچه زندگی امامان، به همراه بحث امامت آنها عرضه کند.

ص: ۱۱۱

قاعدتاً چنین متنی می توانسته برای توده های شیعی نگاشته شده باشد که در آن زمان در ایران بسیار گسترده بودند. او معمولاً در پایان هر بحثی، بدین نکته اشارت دارد که مطلب را به اختصار آوردیم؛ خواستاران تفصیل به متون مفصلتر رجوع کنند.

وی کتاب خود را به یکی از شاهان شیعه مازندران با نام علی بن شهریار بن قارن (سلطنت از ۵۱۱ - ۵۳۴) از آل باوند اهداء کرده و در مقدمه با ستایش فراوان از وی سخن گفته است. این سلسله از سلاطین شیعه مذهب خطه مازندران بوده و در دورانی طولانی به بسط مذهب شیعه در آن ناحیه تلاش کردند.^۱ طبرسی در این تقدیم نامه از این سلطان شیعه با عباراتی چون «الاصفهد الاجل الملك العادل المؤید المنصور، شرف الدنيا و الدین، رکن الاسلام و المسلمین، ملک مازندران علاءالدوله شاه» یاد کرده و دوران حکومت وی را

۱. تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۵۱۵ - ۵۱۶

دورانی پرافتخار می داند و او را با عبارت عَمَدَةُ الْعَتَرَةِ الطَّاهِرَةِ، لاجرم قد ملکه الله زمام الدهر، و أنفذ حکمه فی البر و البحر و شد به ازیر الاسلام و مهد له اسباب المعدلة فی الانام و جعل أيامه للزمان أعياداً و مواسم و للاقبال مباحج و مباسم و متعه الله تعالی بجمال هذه الحال، و أدام له فی العباد و البلاد کرائم الافضال و مواد النوال بلطفه و طولہ و سعة جوده و فضله ستایش کرده است.

پس از آن با اشاره به این که هر فاضلی که در آستانه وی حاضر نشود، فهو ناقص عن حیز الکمال، اشعاری در ستایش او آورده و او را به داشتن عقیده علویه می ستاید. بعد می گوید: اکنون که روزگار مرا از خدمت در آستان او عاق کرده، مصمم شدم تا خدمتی به او کنم تا جاییان این دوری را کرده باشم. این خدمت چیزی جز تألیف کتاب اعلام الوری ببنام او نیست: ... فیؤلف کتاباً يتضمن أسامی الأئمة الهداء و السادة الولاة و اولى الامر و أهل الذکر و أهل بیت الوحی ...

وی آثار دیگر خود را نیز به نام بزرگان از سادات و شیعه نگاشته است.

کتاب اعلام الوری در کنار الارشاد مفید و کشف الغمه و روضة الواعظین فتال نیشابوری، از آثار با ارزشی است که از قرن پنجم تا هفتم در باره زندگی چهارده معصوم نگاشته شده و حکم منابع اصلی را در این زمینه دارد. ارزش این کتابها از آن روست که کوشیده اند تا از مصادر و منابع پیشین، شرح حالی برای معصومان علیهم السلام تدارک دیده و در اختیار مسلمانان بویژه شیعیان قرار دهند. طبیعی است که در کتابها، بیش از هر

ص: ۱۱۲

چیز مراعات حال خوانندگان کتابها می شده است.

کتاب اعلام الوری در میان شیعیان جایگاه والایی داشته است. به نظر می رسد که در طی قرون بعد، نسخه ای بدون آغاز از این کتاب دستی کسی افتاده و او بدون آگاهی، آن را به نام ربیع الشیعه به ابن طاووس نسبت داده است. علامه مجلسی که به شباهت میان این دو کتاب توجه داشته، ربیع الشیعه را به کناری نهاده و به درستی، به اعلام الوری اعتماد کرده است. در اصل، کمترین تردیدی در باره اعلام الوری و نسبت آن به طبرسی وجود ندارد.

لطیف توجه داشت که طبرسی در دوره ای زندگی می کند که شیعیان گرچه در ایران فراوانند، اما حکومت در بیشتر نقاط در دست اهل سنت است. این مسأله سبب می شد تا نوشته های آنها به صورتی معتدل نگلخته شود تا باعث تحریک دیگران بر ضد شیعه نشود. افزون بر آن، طبرسی همان شیعه همدوره خود در ایران، مثل عبدالجلیل قزوینی، قوامی رازی شیعه ای معتدل است.^۲ به همین دلیل در این کتاب و نیز در تفسیر او آثار این اعتدال را به روشنی در می یابیم. به عنوان نمونه در زندگی حضرت زهرا (س) کمترین اشاره ای به برخورد وی با حاکمیت و روابط میان آن حضرت با خلیفه اول و دوم نشده است. (نک: ۱ / ۳۰۰

۲. تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، فصل: تشیع اعتدالی در ایران قرن ششم و هفتم

۳۰۱). وی در بحث دفن امام م جتبی(ع) با آن که اشاره به ح ضرور عایشه و سر و صدای وی کرده، اما این خبر را آورده که از اصل قرار نبود تا امام را در کنار جدش پیغمبر دفن کنند بلکه وی را برای تجدید عهد به آن سمت آوردند و قرار بود تا در بقیع کنار جده اش فاطمه بنت اسد دفن شود. (۱ / ۴۱۴ - ۴۱۵)

شروه وی در بحث از زندگانی ائمه، درست مانند ارشاد و سایر آثار، از بیان خصوصیات شخصی، سن و سال تولد و وفات و کیفیت آن و نیز معرفی فرزندان و مدت خلافت و امامت و محل دفن آغاز شده و به دنبال آن از اثبات امامت هر امام با دلایل عقلی و نقلی بحث ادامه پیدا می کند. در ادامه نقلهایی که در معجزات امامان آورده شده و نیز به تناسب بخشی از اخبار زندگی هر امام عرضه می شود. از سیره رسول اکرم(ص) به تفصیل سخن گفته شده است. همینطور از امام علی(ع) که به طور عمده از فضائل آن حضرت سخن گفته شده. در زندگی امام حسین(ع) نیز این تفصیل رعایت شده و بحث عمده مقتل امام حسین(ع) است.

ص: ۱۱۳

واقعیت آن است که طبرسی بنای یاد از مصادر خود را نداشته و بیشتر کوشیده تا متنی فراهم آورد تا راهبرد شیعیان در شناخت زندگی امامان باشد. برآورده کردن چنین هدفی، نیازی به ذکر اسناد احادیث و ی ا مآخذ آنها نداشته است. علاوه بر این، دأب طبرسی در دیگو آثار او نیز نقل مصادر نیست. به همین دلیل وی بیشتر اخبار کتاب خود را بدون یاد از مآخذ آورده و با عبارت روی «نقله الآثار» یا «نقله الاخبار» «جاء فی الآثار»، «روی جماعه من اهل السیر»، «روی جماعه من اهل التاریخ» مطالب را نقل کرده است. وی در مواردی که احادیث صحیحی را آورده از ذکر سند نیز خودداری کرده می نویسد به دلیل «اشتهاها بین نقله الآثار و اعتمادا علی أن نقلها من کتب محکومه بالصحه عند نقاد الاخبار» سند را نیز حذف کرده است. (نک: ۱ / ۳۵۹)

لباین حال مواردی وجود دارد که طبرسی نام کتابی را یاد کرده و یا اگر از شخصی نقل کرده، مطمئن هستیم که کتاب خاصی از آن مؤلف مورد نظر وی بوده است. معمولا وقتی چیزی در این کتاب از شیخ مفید نقل می شود، می توان مطمئن بود که آن را از ارشاد نقل می کند. (نک: ۱ / ۴۷۷) در کنار آن، مواردی هست که از اشخاصی از مؤلفان نقل کرده، اما به دلیل آن که نام کتاب وی را نیاورده، اطمینان به این که از چه کتابی از او نقل کرده نداریم. مثلا می نویسد «و ذکر السید الاجل المرتضی فی بعض مسائله...». (۱ / ۴۷۷)

در میان منابع وی، چند کتاب وجو د دارد که اثری از آنها برجای نمانده است. برخی از آنها، تنها قسمتهای باقیمانده شان، همین چند نقلی است که طبرسی از آنها به دست داده است. نمونه آن کتاب اخبار ابی هاشم جعفری، الرد علی الزیدیه دوریستی، التفهیم ابو محمد حسینی، نوادر الحکمه اشعری قمی، و مهمتر از همه کتب المغازی ابان بن عثمان احمر است که طبرسی قسمتهای فراوانی از آن را نقل کرده است. در اینجا مروری گذرا بر نام کتابهایی که طبرسی مطلبی از آنها نقل کرده و به نامشان اشاره کرده، خواهیم داشت.

۱ - اخبار ابی هاشم داود بن قاسم الجعفری، احمد بن محمد بن عبدالله بن عیاش جوهری. نجاشی از وی و آثارش یاد کرده است.^۳ طبرسی در صص ۳۷۰ - ۳۷۵ خبری از ابوهاشم مزبور آورده و تنها به «و فی کتاب ابی عبدالله بن عیاش» اکتفا کرده است. اگر عنوان اخبار ابی هاشم به معنای احادیث ابوهاشم باشد - و این عنوانی است که نجاشی

ص: ۱۱۴

ضمن تألیفات وی آورده است - محتمل است که طبرسی حدیث مورد نظر را از این کتاب وی نقل کرده باشد. حتی در غیر این صورت ممکن است که در ضمن کتاب اخبار ابی هاشم که در باره زندگی و شعر وی بوده باشد، این اخبار نیز استطراداً آمده باشد.

۲ - صریح بخاری، طبرسی موارد چندی از این کتاب نقل کرده است: ۱ / ۴۹، ۸۴، ۹۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۱۳، ۲۴۲، ۲۸۵

۳ - دلائل النبوه، از ابوبکر بیهقی، این کتاب در بخش سیره رسول خدا (ص) در کتاب اعلام الوری، از منابع مؤلف بوده و فراوان از آن نقل کرده است: ۱ / ۴۹، ۶۵، ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۶، ۲۴۵، ۴۳۰

۴ - عیون اخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق، ۱ / ۴۹۴، ۲ / ۶۱

۵ - مستدرک حاکم، تاریخ نیشابور؟ طبرسی در مواردی که از حاکم نقل کرده، نام کتاب نیاورده است. به نظر می رسد بخشی از آنها از کتاب مستدرک و آنچه از امام رضا (ع) است از تاریخ نیشابور و یا مفاخر الرضا باشد. ۱ / ۵۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲ / ۵۴، ۵۵

۶ - السیره النبویه، محمد بن اسحاق بن یسار، طبرسی از این کتاب نیز مکرر نقل کرده اما روشن نکرده که از چه روایتی از آن نقل می کند و این که آیا همان سیره ابن هشام در دست او بوده یا سیره خود ابن اسحاق. ۱ / ۵۲، ۶۵، ۶۸، ۷۸، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۸۵، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۵۲، ۴۱۲

۷ - صریح مسلم، ۱ / ۹۱، ۲۴۹

۸ - المغازی، موسی بن عقبه، طبرسی یک مورد از وی نقل کرده (۱ / ۲۳۱)، اما روشن نیست که مستقیم از کتاب موسی بوده یا به نقل از مصدر دیگر مثل دلائل النبوه.

۹ - شریف المصطفی (ص)، ابوسعید محمد بن عبدالملک واعظ زاهد خرگوشی (م ۴۰۶). این نامی است که طبرسی برای وی یاد کرده است. در منابع دیگر از وی با عنوان عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم یاد شده است. طبرسی در چندین مورد از وی نقل کرده و از وی با عنوان «الاسطه» یاد کرده است: ۱ / ۵۶، ۸۸، ۲۹۰، ۳۲۳، ۴۱۱

۱۰ - کتاب المشیخه، حسن بن محبوب الزراد، ۲ / ۲۵۸. ابن طاووس فراوان از این کتاب نقل کرده است.^۴

ص: ۱۱۵

۱۱ - الرد علی الزیدیه، ابو عبدالله جعفر بن محمد بن ابی احمد دوریستی، وی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی بوده است.^۵ ۲ / ۱۶۳، (سه روایت از این کتاب نقل شده است.)

۱۲ - الکامل، میرد. با عبارت قل المبرد فی کتابه (۱ / ۳۲۴)

۱۳ - کتاب علی بن ابراهیم قمی، قاعدتاً باید مقصود همین تفسیر باشد که یک مورد نیز به آن تصریح کرده است. موارد نقل از آن فراوان است. نک: فهرست اعلام مجلد دوم، ذیل نام علی بن ابراهیم.

۱۴ - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق. طبرسی همه جا از این کتاب با همین عنوان نقل کرده نه «اکمال الدین و اتمام النعمه». موارد عبارتند از: ۱ / ۵۹، ۵۳۸، ۲ / ۱۹۸، ۲۲۶ (در قسمت مربوط به مهدی (ع) از این کتاب فراوان نقل شده است.)

۱۵ - الغیبه شیخ طوسی. ۲ / ۲۱۷، ۲۷۲. در این مورد به نام کتاب تصریح نشده اما حدیث در باره مهدی (ع) است.

۱۶ - معرفه الصحابه از ابن مندۀ، ۱ / ۱۳۲

۱۷ - المعرفه از ابواسحاق ثقفی ۱ / ۳۶۵

۱۸ - الواحده، محمد بن حسن بن جمهور عمی، ۱ / ۵۲۹، ۲ / ۱۲۲. ابن طاووس نیز مکرر از این کتاب نقل کرده است.^۶

مکرر از این کتاب نقل کرده است.^۷

۱۹ - عیون الاخبار، صدوق ۱ / ۴۹۴

۲۰ - عیون الاخبار، ابن قتیبۀ ۲ / ۶۱

۲۱ - مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ۱ / ۵۲۶

۲۲ - المغازی، محمد بن عمرو اقدی، طبرسی نام کتاب وی را نیاورده اما در چند مورد در غزوات رسول

خدا (ص)، تعبیر «وفی رواية الواقدي» را آورده است. ۱ / ۱۳۲، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۳۴، ۳۸۰

ص: ۱۱۶

۴. کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۱۸، ش ۳۸۸

۵. شرح حال وی را بنگرید در: فهرست منتخب الدین، ص ۴۵، ۱۸۹

۶. کتابخانه ابن طاووس، ص ۵۹۴ - ۵۹۳، ش ۶۴۲

۷. کتابخانه ابن طاووس، ص ۵۹۴ - ۵۹۳، ش ۶۴۲

۲۳ - /التفهيم، ابو محمد حسن بن حمزة الحسيني، ۱ / ۵۳۵. شيخ آقابزرگ تنها اشاره کرده است که شيخ حر در اثبات الهداة اين کتاب را به مؤلف نسبت داده است . ظاهراً نقلي جز آنچه طبرسي آورده تاکنون شناخته نیست.^۸

۲۴ - /الارشاد، شيخ مفيد، از اين کتاب يك بار با صراحت به نام کتاب نقل شده (۲ / ۳۲)، و چند بار نيز با تعبير قال الشيخ المفيد ابو عبدالله.

۲۵ - /در الحكمه، محمد بن احمد بن يحيى بن عمران اشعري قمي . اين کتاب - شبيه کتاب المحاسن برقي - دائرة المعارف فقه و عقايد بوده و شيخ طوسي در فهرست، عنوان کتابهای - فصلهای - داخل آن را برشمرده است. مؤلف از افرادی است که متهم به نقل از راويان ضعيف شده است .^۹ آقابزرگ از کتاب وی ياد کرده اما اشاره ای به نقلهای طبرسي از وی ندارد . کلبزگ نقل ابن طاووس را در فرج المهموم از وی آورده و اشاره به موارد طبرسي در اعلام الوری و فرزندش در مکارم الاخلاق و نيز چند نقل ديگر علامه از آن کتاب کرده است.^{۱۰} موارد طبرسي عبارتند از : ۱ / ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۸، ۲ / ۱۰۰

۲۶ - /مسند الرضا، ۱ / ۲۹۳، ۴۲۷

۲۷ - /الشافعي في الامامه، سعيد مرتضي، ۱ / ۳۱۴

۲۸ - /الكافي، شيخ ابو جعفر الكليني، طبرسي مکرر از اين کتاب نقل کرده و جايی در طيه وی با اين تعبير سخن گفته است که و هو من اجل رواة الشيعة و ثقاتها (ص، ۲۰۷)، بيشتر نقلهای مربوط به اخبار اثبات امامت ائمه و معجزات آنها از طريق همين کتاب است.

۲۹ - /المغازي، ابان بن عثمان احمر. بخشهای مهمی از اين کتاب در اعلام الوری و برخی از آثار ديگر برجای مانده که ما آنها را تحت نام المبعث و المغازي از ابان به چاپ رسانده ايم.

ص: ۱۱۷

۸ . ذريعه، ج ۴، ص ۳۶۱

۹ . الفهرست، صص ۱۴۵ - ۱۴۴

۱۰ . کتابخانه ابن طاووس، صص ۴۷۲ - ۴۷۱، ش ۴۶۹